

اسلامی کردن علوم و وحدت حوزه و دانشگاه از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

دکتر محمد محمدرضایی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶

دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

چکیده:

وحدت حوزه و دانشگاه یکی از رهنمودهای بسیار ارزشمند حضرت امام خمینی (ره) است که خلف صالح آن بزرگوار، رهبر حکیم و فرزانه و دانشمند نظام مقدس جمهوری اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (دام‌عزه)، همواره بر آن تأکید کرده‌اند. اما چپستی و وضوح مفهومی وحدت حوزه و دانشگاه از جمله مسائل مهم در این عرصه است که باید به‌دقت آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. اکنون که چهل سال از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد هنوز این مسئله مورد بحث و بررسی متفکران و محافل علمی است. از جمله کسانی که در حوزه وضوح مفهومی وحدت حوزه و دانشگاه دیدگاه‌های خاصی را ارائه کرده‌اند، مرجع و استاد عالی‌قدر حضرت آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی (دام‌عزه) هستند. معظم‌له برآنند که تنها راه رسیدن به وحدت حوزه و دانشگاه، اسلامی کردن علوم در دانشگاه‌ها است. و نیز اعتقاد دارند که بدترین آسیب در وحدت حوزه و دانشگاه خودمحوری است و چاره آن جز تقوا در امور دیگر نیست. البته به نظر ایشان اسلامی کردن دانشگاه به آن نیست که مظاهر اسلامی را دینی و اسلامی کنیم، بلکه باید موضوع علوم یعنی طبیعت‌شناسی جای خود را به خلقت‌شناسی بدهد. و نیز قوانین طبیعت و انسان را فعل خدا بدانیم؛ در آن صورت است که تفسیر چنین طبیعتی، اسلامی خواهد شد. این مقاله بر آن است که دیدگاه معظم‌له را در این باره مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. به نظر مؤلف، اسلامی شدن دانشگاه‌ها تنها محدود به اسلامی شدن علوم نیست، بلکه امور دیگری لازم است که در مقاله به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: اسلامی شدن علوم، تقوا، جوادی آملی، خلقت، عالم، وحدت حوزه و دانشگاه.

مقدمه

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی تنها راه برای رسیدن به وحدت حوزه و دانشگاه، اسلامی کردن علوم در دانشگاه است. اما قبل از طرح اسلامی شدن علوم، لازم است مسائلی از دیدگاه ایشان به‌عنوان مقدمه مطرح گردد:

۱- اگر حوزه، مبانی اسلامی موردنیاز جامعه را تدوین کند و دانشگاه نیز بر پایه آن مبانی، آن علوم را عینی و کاربردی کند، در آن زمان است که وحدت میان حوزه و دانشگاه اتفاق افتاده است. و به تعبیری دیگر می‌فرمایند: «دانشگاه اگر بخواهد نجات پیدا کند، هیچ چاره‌ای ندارد جز اینکه وحدت حوزه و دانشگاه را در سایه اسلامی کردن علوم دنبال کنند.»؛

۲- ایشان در باب ضرورت وحدت و خطر اختلاف می‌فرمایند: «تا ما با خطر اختلاف آشنا نشویم از منافع وحدت آگاه نخواهیم شد و تا از منافع وحدت آگاه نشویم به بحث آن نمی‌پردازیم، برای تحصیلش نمی‌کوشیم و برای حراستش سعی نمی‌کنیم.» در رابطه با ضرورت وحدت، حدیثی را از پیامبر اعظم (ص) نقل کرده‌اند که: «ایاکم و البغضاء و ایاکم و کذا و کذا فانها الحالقه لدینکم: اختلاف، مثل یک تیغ تیز به دست اختلاف‌کنندگان است که هرروز دینشان را تیغ می‌کشند؛ مثل کسی که سرش را هرروز تیغ می‌کشد دیگر مویی نمی‌ماند و نمی‌روید.»

تا انسان، دشمن و راه نفوذ او را شناسد نمی‌تواند وحدت را برقرار و حفظ کند. بنابراین وحدت، به‌ویژه وحدت حوزه و دانشگاه، یکی از مسائل اساسی و ضروری است؛

۳- راز اختلاف نفوذ دشمن در سه عنصر محوری حوزه و دانشگاه از دیدگاه ایشان: «حوزه‌های علمی و دانشگاهی با سه عنصر محوری کار دارند که در همه این عناصر، دشمن نفوذ کرده است: معلوم، علم و عالم.»

- معلوم:

در مورد معلوم، خداوند می‌فرماید: همه‌چیز عالم سر جای خودشان‌اند. اگر شما صدها بار هم خدمت معلومات بروید، می‌بینید هیچ شکاف، اختلاف و بی‌نظمی در آن‌ها نیست. ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ (انبیاء، ۲۲). و نیز می‌فرماید: ﴿مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ

مِنْ تَفَاوُتِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ * الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبُ ﴿۴﴾ (الملک، ۴). با توجه به معنای کلمه فوت، این‌طور می‌توان معنی کرد که هیچ‌کس سر جای خود را ترک نکرده. اگر کسی پُست خودش را ترک کند می‌شود فوت. پس خداوند فرمود: من معلوم را از صدر تا ساقه جهان طوری آفریده‌ام که هیچ اختلافی بین آن‌ها نیست و همه از عرش تا فرش مسخرند.

- علوم:

در مورد علوم نیز خداوند جوری تنظیم فرموده که هیچ علمی علم دیگر را نفی نمی‌کند؛ بعضی در خدمت بعضی دیگر هستند. بعضی‌ها خدمتگزار بعضی‌اند. بعضی فایده بعضی دیگرند. هیچ نقد و نقضی بین سلسله دانش‌ها نیست. بعضی مبادی‌شان را از بعضی دیگر، بعضی مسائلمان را از برخی دیگر می‌گیرند و بعضی وامدار بعضی‌اند.

- عالم:

نسبت به عنصر سوم که علمای حوزه و دانشگاه‌اند، بیان می‌کنند که ذات اقدس اله به ما خبر داد که عواملی چند، هم در معلوم اثر گذاشتند هم در علوم و هم تلاش می‌کنند در علمای حوزه و دانشگاه اثر بگذارند. اما در معلوم اثر گذاشتند: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾ (روم، ۴۱). این وضع محیط‌زیست در اثر همین است. ﴿يُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ﴾ (بقره، ۲۰۵) و ﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أُذْلًا﴾ (نمل، ۳۴). نگذاشتند این نظام هماهنگ زیبا با هماهنگی، به مردم خدمت کند. آیه ظهر الفساد فی البر و البحر دو مطلب را به ما می‌گوید: ۱- این نظام هماهنگ بود، بیگانه نفوذ کرد و این نظام را به هم زد، یعنی معلوم‌ها را به هم زد؛ ۲- درباره علوم فرمود: تمام علوم خدمتگزار یکدیگرند اما شبیهه که آمد آن علم نه تنها مشکل خودش را حل نمی‌کند بلکه چوب لای چرخ علم دیگر می‌گذارد. این شبهات از کجا پدید می‌آید: ﴿إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ لَكُمْ إِلِيَّ أَوْلِيَاءَهُمْ﴾ (انعام، ۱۲۱). شیطان نه تنها به آن طاغیان می‌گوید فساد و اهلاک حرث و نسل را بر عهده بگیرید بلکه به برخی عالمان نیز می‌گوید شبهه ایجاد کنید. شبهه ویروسی است که بساط علم را بر هم می‌زند. تمام این مغالطه‌هایی که سیزده قسمش در منطق آمده و ممکن است زیرمجموعه‌اش خیلی بیش از این‌ها باشد همه به دخالت شیطان است: یا محمول را به جای محمول دیگر یا موضوع را به جای

موضوع دیگر می‌گذارد و یا رابطه‌ها را منقطع می‌کند. در هر موردی که انسان اشتباه می‌کند به دخالت شیطان است. پس ظهر الفساد فی العلوم، چه علوم بحری و چه علوم بری، بما کسبت ایدی الناس به وسوسه ابلیس. اینکه خداوند فرمود اتقوا الله و یعلمکم الله سرش این است که یعنی طوری زندگی کنید که او نتواند راه پیدا کند. شما مطلب را درست بفهمید. عمده آن است که ما خودمان را دریابیم. اگر ما آدم خوبی باشیم هم می‌توانیم جلوی فساد را بگیریم هم می‌توانیم منشأ فساد را شناسایی کنیم هم جلوی شبهات را بگیریم و هم به شبهات پاسخ دهیم. شیطان به وسیله طاغیان و مشایخ سوء، نه تنها در معلوم‌ها اثر گذاشته و آن‌ها را فاسد کرده و در علوم اثر گذاشته و آن‌ها را با شبهه قرین کرده بلکه علما و دانشگاهی‌ها را، حوزه و دانشگاه را رها نمی‌کند. البته بزرگانی در دانشگاه و حوزه هستند که همیشه مواظب خودشان بوده و هستند. حریم آن‌ها محفوظ است.

آنچه فلاسفه غرب تلاش کردند آن است که علم چقدر معلوم را نشان می‌دهد. اما آنچه جایش خالی است این است که علم چقدر عالم را اصلاح کرده است؟ این علم یک آینه‌ای است که هم واقع را نشان می‌دهد هم درون را. کمبود ما از اینجا شروع می‌شود و قهراً با این کمبود، وحدت رخت برمی‌بندد و بسیاری از برکات می‌رود و ردایل به جای آن‌ها می‌نشینند. کمبود، آن است که بشر درباره این علوم که چهره‌ای به واقع و چهره‌ای هم به عالم دارد فقط تک‌بعدی تلاش کند.

نتیجه آن‌که:

- ۱- حوزه و دانشگاه اگر بخواهند در مقام وحدت سخن بگویند باید ارزیابی کنند که خطر اختلاف چیست؟ ۲- کار اساسی حوزویان و دانشگاهیان، معلوم و علم و عالم است؛
- ۳- بیگانه در آن دو بخش نفوذ پیدا کرده مواظب باشیم در بخش دیگر نفوذ پیدا نکند. تنها راهش آن است که آینه شویم. آینه شو تا بردت سوی دوست، کوی دوست. آن وقت دیگر اختلافی نیست!

۴- پرهیز از خودمحوری.

آیت‌الله جوادی آملی در باب وحدت حوزه و دانشگاه می‌فرماید: «انسجام درونی حوزویان و دانشگاهیان باهم، جز در مدار تقوا ممکن نیست.»
وی افزود: «بدترین آسیب در وحدت حوزه و دانشگاه خودمحوری است و برای نجات این مورد، چاره‌ای جز تقوا نیست و با تأمین وحدت دو قشر حوزه و دانشگاه، تأمین امنیت مملکت آسان است و این‌گونه می‌توانیم وارث انبیاء باشیم.»
ایشان در ادامه می‌فرماید: «برخی از حوزویان و دانشگاهیان خودشان را ارزان می‌فروشدند و اگر وارستگی وجود داشت، جایی برای آسیب‌شناسی وحدت حوزه و دانشگاه نبود.» (همان).

اسلامی شدن علوم

حضرت استاد جوادی آملی، تنها راه رسیدن به وحدت حوزه و دانشگاه را اسلامی کردن علوم در دانشگاه می‌داند. اسلامی کردن دانشگاه‌ها به آن نیست که مظاهر و برنامه‌های اسلامی و دینی را در محیط و فضای دانشگاه‌ها و مراکز علمی وارد نماییم. مثلاً در محیط‌های علمی و دانشگاهی نمازخانه و مسجد بسازیم و یا کتاب‌های درسی دانشگاه‌ها را با بسم‌الله و آرم جمهوری اسلامی چاپ کنیم و شب‌های جمعه دعای کمیل و سه‌شنبه شب‌ها دعای توسل برقرار و کلاس دخترها از پسرها جدا شود. این کارهای صوری و ظاهری توان آن را ندارند که علوم را احیاء کنند و دانشی معیوب و همواره افسرده را صحت و شادابی بخشند.

اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و صاعد و هماهنگ دیدن حوزه‌های معرفتی و بازگشت طبیعت به دامن الهیات است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶).

ایشان در تعبیری بسیار زیبا در باب اسلامی شدن دانشگاه‌ها می‌فرماید: «این بزرگواران [یعنی برخی از مسئولان] خیال می‌کنند منظور از دانشگاه اسلامی آن است که هر دانشکده نمازخانه داشته باشد (یک)، کلاس پسر و دختر از هم جدا بشود (دو)، حجاب محفوظ باشد (سه)، حرف‌های خلاف در دانشگاه‌ها نزنند (چهار)، شب‌های جمعه دعای «کمیل»

باشد (پنج)، شب‌های چهارشنبه دعای «توسل» باشد (شش)، در مراسم نهاد نمایندگی عزاداری بکند (هفت)، در اعیاد و جشن‌ها هم محفلی داشته باشد (هشت)؛ [اما] این معنای اسلامی شدن دانشگاه نیست [البته] این‌ها کار خوبی است [و] این‌ها از مسجد و حسینیه هم برمی‌آید. این‌ها مسلمان تربیت کردن است اما آن خطری که همیشه در راه بود و همیشه در راه است و از زیر ویروسی است نفوذی، آن است که متون درسی، سکولار است.

آنکه دانشگاه را مرعوب می‌کند علم است، آنکه دانشجو را خاضع می‌کند دانش است، آنکه استاد را در برابر آن به گرنش وامی‌دارد دانش است [و] ما تا ثابت نکنیم دانش غیر اسلامی نداریم و دانش، اسلامی است و لا غیر، هرگز دانشگاه‌ها اسلامی نخواهد شد [و] انقلاب فرهنگی هم انقلاب فرهنگی نیست. تمام این دانش‌هایی که الآن در دانشگاه‌ها هست (یعنی دانش‌های تجربی، لاشه علوم است نه خود علم [زیرا] این‌ها طبیعت را دارند بررسی می‌کنند نه خلقت را، اگر آن جهان‌بینی فلسفی الهی حاکم شد (اولاً) و ثابت شود که زمان و زمین، خلقت است و نه طبیعت (ثانیاً) و در هر پدیده‌ای یک «هُوَ الْأَوَّلُ» است و یک «هُوَ الْآخِرُ» (ثالثاً) و شما دارید خلقت را می‌شناسید (رابعاً) و قدم‌به‌قدم در متون درسی شما باید نوشته بشود خدا چنین کرد خدا چنین کرد (خامساً) آنگاه علم می‌شود اسلامی [و] دانشگاه می‌شود اسلامی.

اگر- معاذ الله - جهان‌بینی کسی الحادی بود او مبدأ و معاد را منکر بود [و] به نظام طبیعت سرسپرده است، جهان‌بینی الحاد، فلسفه مضاف الحادی را به دنبال دارد (یک)، فلسفه مضاف الحادی، علوم الحادی را به دنبال دارد (دو)، فیزیک می‌شود الحادی، شیمی می‌شود الحادی، همه‌اش لاشه علم است [و می‌گویند] این چنین بود این چنین بود این چنین بود [و] این چنین می‌شود.^۱

ویژگی‌های علوم دانشگاهی و تجربی

از دیدگاه استاد، علوم دانشگاهی که غیردینی هستند حائز ویژگی‌های ذیل می‌باشند:
 ۱- علوم تجربی، سیری افقی داشته، نه برای عالم و طبیعت مبدائی می‌بینند و نه غایت

۱- این سخنان در دیدار رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان قم و استادان ایراد شده است.

و فرجامی؛

- ۲- طبیعت را به‌عنوان خلقت ملاحظه نمی‌کنند و به تعبیری صنع خدا را در عالم نمی‌بینند و تأثیر و دخالت خداوند را در حوادث عالم، خرافه و افسانه می‌پندارد؛
- ۳- عالمان تجربی، علم را زاییده فکر خود می‌پندارند نه بخشش خدا؛
- ۴- حوادث عالم طبیعت را از دریچه تنگ علل و اسباب مادی قابل مشاهده و تجربه پذیر می‌فهمند؛
- ۵- طبیعت را محصول طرح و تدبیر خدا ندانسته، بلکه زاییده شانس و تصادف می‌دانند.^۱

راه‌حل اسلامی کردن دانشگاه یا علوم

با توجه به ویژگی‌هایی که برای علوم دانشگاهی بیان شد، از دیدگاه استاد راه‌حل اسلامی کردن علوم و دانشگاه‌ها چنین است:

۱- علوم تجربی با توجه به محدودیت آن که مبدأ فاعلی و غایی برای طبیعت نمی‌بینند، درصدد ارائه جهان‌بینی برنیاید، زیرا از منابع دیگر شناخت نظیر وحی، عقل نیز باید بهره برد؛

۲- طبیعت که موضوع شناخت علوم تجربی است باید، جای خود را به خلقت بدهد و به تعبیری میان طبیعت‌شناسی و الهیات وفاق و آشتی برقرار شود. اگر فلان ماده و قانون در پدیده‌ای وجود دارد، با تغییر در نگرش، آن را آفریده خدا بدانیم و نیز عنوان خالق که مبدأ فاعلی است حتماً ملحوظ شود. و همچنین هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل و داد است به‌عنوان مبدأ غایی منظور شود. همان‌گونه که قرآن از زبان حضرت موسی می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (طه، ۵۰). در این آیه «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى» به مبدأ فاعلی و «ثُمَّ هَدَى» به مبدأ غایی اشاره دارد؛

۳- عقل را که ابزار کشف قوانین و آثار خلقت است، موهبت الهی بدانیم که خدا به انسان عطا کرده است و از این رو حجیت عقلی در کنار حجیت نقلی، از اعتبار یکسان

برخوردارند؛

۴- از آموزه‌های وحیانی و نقلی برای تبیین پدیده‌ها کمک گرفته شود؛

۵- قوانین طبیعت را تفسیر فعل خدا بدانیم و همان‌گونه که تفسیر قول خدا، علم اسلامی است، تفسیر فعل خدا نیز اسلامی خواهد بود. بنابراین تفسیر عالم به فعل و قول خدا هر دو حجت الهی و تأمین‌کننده محتوای اسلام هستند. و به تعبیر دیگر، بین علم و دین آشتی برقرار کنیم، یعنی هم عقل، زیرمجموعه دین است و هم تفسیر عالمانه طبیعت همانند تفسیر قرآن دینی است؛

۶- علم اگر علم باشد نه وهم و خیال و فرضیه محض، هرگز غیر اسلامی نمی‌شود، علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد به ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و غیردینی و اسلامی و غیر اسلامی تقسیم کنیم. برای مثال علم فیزیک یقینی، یقیناً اسلامی است، هرچند شخص فیزیکدان ملحد یا شاک باشد.^۱

نقد و بررسی

همان‌گونه که ملاحظه شد، حضرت استاد، وحدت حوزه و دانشگاه را در اسلامی شدن دانشگاه و اسلامی شدن دانشگاه را در اسلامی شدن علوم می‌دانند.

اسلامی شدن علوم، هرچند مطلوب و یکی از مسائل مهم در اسلامی شدن دانشگاه‌ها است ولی تنها محدود به این مسئله نیست. ممکن است در دانشگاه‌ها علوم اسلامی باشد ولی تزکیه و اخلاق اسلامی نباشد، به تعبیر حضرت امام ضرر آن بیشتر از جاهل است. از نظر حضرت استاد، علم در حوزه‌های علمیه اسلامی است، یعنی علمای حوزه همه علوم را و از جمله عقل را موهبت الهی می‌دانند و غایت الغایات همه چیز را خدا می‌دانند، بر این اساس علوم آن‌ها اسلامی است. اما برای اسلامی شدن حوزه‌های علمیه این اندازه کافی نیست زیرا اگر علم حتی علم توحید در صورتی که با تقوا و تزکیه نفس و تربیت اخلاقی توأم نباشد، خود این علم به‌تنهایی برای اسلامی شدن، یک نهاد فرهنگی کافی نیست. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «ارزش در لسان انبیا و در لسان اولیای خدا و

در رأس آن‌ها، قرآن کریم و رسول اکرم، ارزش به علم و تقواست. میزان، ارزش این دو خاصه است؛ علم و تقوا توأماً. علم تنها ارزش ندارد یا ضعیف است ارزشش. تقوای تنها یا ارزش ندارد یا ضعیف است ارزشش. ... اگر علم تنهای بی تقوا باشد، ولو علم توحید باشد، ولو علم ادیان باشد، در آن، عالم ارزش ندارد. علم تنها اگر ضررش بر ملت‌ها و بر اسلام بالاتر از نفعش نباشد- باید گفت که بی تقوا می‌تواند که یک کشوری را یک انسان‌هایی را به باد فنا بدهد.^۱

امام (ره) در تعبیر دیگر می‌فرماید: «ساده‌اندیشی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص میزان است و علم میزان است. علم الهی هم میزان نیست علم توحید هم میزان نیست. علم فقه و فلسفه هم میزان نیست. آن علمی، میزان است و آن علمی برای بشر سعادت است که تربیت در او باشد که او از مربی القاشده باشد، از کسی که تربیت الهی شده است القا بشود به بشر.»^۲

و در تعبیری دیگر می‌فرماید: «مسئله تربیت بالاتر از تعلیم است. در آن آیه شریفه هم تلاوت آیات قرآن را؛ یعنی رساندن آن تعلیماتی که در راه تربیت و تعلیم است، بعد از اینکه این را می‌فرماید، بعد (و يُزَكِّيهِمْ) را می‌فرماید. از این ممکن است استفاده بشود که مسئله تزکیه نفس اهمیتش بیشتر از مسئله تعلیم کتاب و حکمت است، مقدمه از برای این است که کتاب و حکمت در نفس انسان واقع بشود. اگر تزکیه بشود انسان، تربیت بشود و به تربیت‌هایی که انبیا (ع) برای بشر هدیه آوردند، بعد از تزکیه کتاب و حکمت هم در او به معنای حقیقی خودش، در نفس انسان نقش می‌بندد و انسان به کمال مطلوب می‌رسد.» و لهذا بعد از یک آیه دیگر می‌فرماید که: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾ (فتح، ۲۹). می‌خواهد بفرماید که علم تنها فایده ندارد. علمی که تربیت در او نباشد، تزکیه در او نباشد. این علم فایده ندارد. همان‌طوری که اگر الاغ و حمار، چنانچه الاغ به بار او کتاب باشد، هر کتابی باشد، کتاب توحید باشد، کتاب فقه باشد، کتاب انسان‌شناسی باشد، هرچه باشد، در بار او باشد و به دوش او باشد، چه طور فایده ندارد و آن حمار از او استفاده نمی‌کند؛ آن‌هایی هم که انبار علم در باطنشان هست

^۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۸۸.

^۲- همان، ج ۱۳، ص ۱۱ - ۵۰۹.

و باطنشان تمام علوم را فرض کنید، تمام صناعات را، تمام تخصصات را داشته باشند، لکن تربیت و تزکیه نشده باشند، آن‌ها هم آن علومشان برای آن‌ها فایده ندارد، بلکه بسیاری از اوقات مضر است.^۱

بنابراین از این بیانات حضرت امام به‌خوبی استفاده می‌شود که برای تحقق فرهنگ اسلامی، تنها، اسلامی شدن علوم کفایت نمی‌کند. بلکه همراه دینی شدن علوم، باید تزکیه، اخلاق و سایر دستورات دینی نیز تحقق پیدا کنند.

از این رو به‌صرف این که در دانشگاه، علوم، دینی و اسلامی شوند، فرهنگ اسلامی تحقق پیدا نمی‌کند. دین و اسلام یک بسته به هم پیوسته‌ای است که همه باهم باید تحقق پیدا کنند، علاوه بر علوم دینی و تزکیه نفس، اخلاق نیز بسیار تأثیرگذار است. پیامبر گرامی اسلام که اسوه همه مؤمنان هستند، خود متخلق به اخلاق الهی و خلق عظیم بود و قرآن می‌فرماید: ﴿لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران، ۱۵۹).

نتیجه آن‌که:

برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها باید همه ابعاد اسلام اعم از علم دینی، تزکیه نفس و اخلاق الهی و ... باهم تحقق پیدا کند. از این رو ما برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها باید مدیریت و روابط استاد و دانشجو و تربیت و فضای اسلامی و نیز علوم دینی و اسلامی شود. همچنین وحدت حوزه و دانشگاه زمانی حاصل می‌شود که همه ابعاد حوزه و دانشگاه اسلامی شوند.

البته می‌توان دیدگاه حضرت علامه جوادی را حمل بر صحت کرد که وحدت حوزه و دانشگاه در گرو اسلامی شدن دانشگاه‌ها است و مهم‌ترین عامل در اسلامی شدن دانشگاه‌ها، اسلامی شدن علوم است، یعنی ایشان به جهت اهمیت اسلامی شدن علوم و نقش آن در اسلامی شدن دانشگاه‌ها، تأکید زیادی بر آن کرده‌اند والا منظور ایشان از اسلامی شدن دانشگاه‌ها اسلامی شدن همه ابعاد دانشگاه، اعم از نظر و عمل و تشکیلات و ... است.

همچنین با توجه به این که بحث در باب وحدت حوزه و دانشگاه است، برای تحقق

^۱ - امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۵۰۹.

وحدت صرف پرداختن به دانشگاه‌ها، کافی نیست، بلکه علاوه بر دانشگاه‌ها باید نیم‌نگاهی هم به حوزه‌ها داشته باشیم. دیدگاه حضرت امام در این باره، به هر دو نهاد توجه دارد و بر آن است که هر دو نهاد به هر اندازه که خود را با آموزه‌های اسلام تطبیق می‌دهند به همان اندازه به وحدت نائل شده‌اند. بنابراین دیدگاه حضرت استاد جوادی آملی، بسیار به دیدگاه حضرت امام شباهت دارد.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۰). *وحدت حوزه و دانشگاه*. قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان.
- ۳- امام خمینی (ره) (۱۳۷۰). *صحیفه نور*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. قم: مرکز نشر اسراء.
- ۵- حدیث ولایت، مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری.
- ۶- سایت حضرت آیت‌الله جوادی آملی.

■ Islamization of Science and Unity of the Seminary and University from the Viewpoint of Ayatollah Javadi Amoli ■

Mohammad Mohammadrezaei

Abstrac

The unity of the Seminary and university is one of the most valuable guidelines of Imam Khomeini and The wise leader and scholar of the Islamic Republic's holy system, Majesty Ayatollah Ali Khamenei, have always emphasized it. But the conceptual clarity of Unity of the Seminary and University is one of the important issues in this field that should be carefully analyzed. Now that it has been forty years since the Islamic Revolution, this issue is still being discussed by scholars and academic circles. Among those who have presented certain views in conceptual clarity of Unity of the Seminary and University are the great professor of the Ayatollah Javadi Amoli. He argues that the only way to achieve the unity of the Seminary and university is to Islamize science at universities. And he also believes that the worst damage to the unity of the Seminary and the university is self-centeredness, and the only remedy is piety in other matters. he believes, of course, that Islamicization of the university is not about the Islamic manifestations become Islamic , but the subject of science, namely, natural science, should be replaced by knowing creation and also know the laws of nature and man as the action of God. In that case, the interpretation of such a nature will be Islamic. This paper seeks to analyze his point of view on this subject. In the author's view, the Islamicization of the universities is not limited to the Islamicization of the sciences, but also other matters are necessary that are dealt with in the article.

Key Words: Islamicization of Science, Piety, Universe, Javadi Amoli, Creation, The unity of the Seminary and university.